

ارزش فرهنگی یا اقتصادی؟!

درآمدی بر تقابل های شناختی اقتصاد هنر

حسین خلیلی - وحید شاکر



نشر آناپنا

سرشناسه: خلیلی، حسین، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور: ارزش فرهنگی یا اقتصادی؟ درآمدی بر تقابل های شناختی اقتصاد هنر/ حسین خلیلی، وحید شاکر.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات آناپنا، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۹۲ ص.، ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م.
شابک: ۹۷۸-۶۳۸۸-۱۴-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیا
پادداشت: کتابنامه: ص. ۹۲.
عنوان دیگر: درآمدی بر تقابل های شناختی اقتصاد هنر.

موضوع: هنر -- جنبه های اقتصادی
ART -- ECONOMIC ASPECTS
موضوع: فرهنگ -- جنبه های اقتصادی
CULTURE -- ECONOMIC ASPECTS
نامۀ افزوده: شاکر، وحید، ۱۳۶۷ -
رده بندی کنگره: ۸۵۴/۱۳۹۸/ع۸۶۰۰
رده بندی در: ۷۰۶/۸
ماره کتابسازی: ۵۶۴۷۱



نشر آناپنا



هنر و اقتصاد

ارزش فرهنگی یا اقتصادی؟

درآمدی بر تقابل های شناختی اقتصاد هنر

صفحه آرا: یاسر عیسی

طراح جلد: فروید عباسی

شمارگان: ۱۱۰۰

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

چاپ: پردیس دانش

شابک: ۹۷۸.۶۳۸۸.۱۴.۶

هفده هزار تومان

این اثر با حمایت واحد آموزش و پژوهش حوزه هنری استان کهگیلویه و بویراحمد به چاپ رسیده است.

نشانی: تهران / خیابان آزادی / ابتدای خوش شمالی / پلاک ۹ / طبقه ۱ / واحد ۵

تلفن: ۰۹۱۲۵۲۷۲۸۵۸ / ۰۹۲۱۳۲۵۲۸۵۸ / ۰۲۱۶۶۴۳۳۱۳۱

ایمیل: anapananashr@gmail.com

اینستاگرام: @anapanabook

وبسایت: www.anapana.ir

فهرست ...

- ۰۰۹ پیش درآمد
- ۰۱۳ درآمد شناختی
- ۰۱۹ مسئله طبقه: جامعه، فرهنگ، هنر
- ۰۲۹ دیدگاه‌های فرهنگ و ارزش نسبت به مصرف هنری
- ۰۳۵ نسبت‌های اقتصاد و زیبایی‌شناسی
- ۰۵۷ نسبت‌های سیستماتیک / غیرسیستماتیک هنر با جامعه و اقتصاد
- ۰۶۵ درباره چرایی ارزش‌های اقتصادی و فرهنگی
- ۰۷۷ هم‌ساختی هنر و اقتصاد
- ۰۹۱ منابع و مآخذ

پیش درآمد

اقتصاد هنر در خود تقابل‌های ساختی بسیاری را جای داده است. یکی از مهم‌ترین موارد که ناظر به تقابل مفاهیمی اقتصاد و هنر است، مواجهه ارزش‌های فرهنگی و اقتصادی است. در این جستار ضمن ارائه تعاریف شناختی ارزش و بازشناسی مفاهیم کارکردی فرهنگ و اقتصاد، سعی شده است که از زوایا و نظرگاه‌های مختلف، پرسش بنیادی «ارزش فرسنگ یا اقتصادی؟!» به عنوان یک مسئله شناختی مدنظر قرار گیرد. همچنین در پی آن آمده‌ایم تا منبع مطالعاتی مناسبی برای ورود آگاهانه جامعه هنری کشور (همانند مخاطبان، پژوهشگران، مدیران، برنامه‌ریزان، کنشگران رسانه‌ای و...) به بحث اقتصاد فرهنگ و هنر فراهم آوریم.

همواره برای هنرمندان خطاب‌شدن با عناوینی چون «هنر بازاری»، «سوداگری هنری»، «هنر سفارشی» و... بسیار چالش‌برانگیز بوده است. این‌که هنرمند در فعالیت‌های خود، بر درآمد اقتصادی تاکید کند و در نتیجه با عناوین فوق مورد خطاب (به خصوص از سوی منتقدان) قرار گیرد، «نگرانی تاریخی» هنرمندان است.

این نگرانی را فتودور داستایوفسکی^۱ در کتاب خویش با عنوان «یادداشت‌های زیرزمینی»^۲ چنین یادآور می‌شود که: «به هنرمند، کلیه رضایتمندی‌های اقتصادی را اعطاء کنید، به گونه‌ای که دیگر هیچ کاری جز خوابیدن، خوردن کلوچه، و گذراندن عمر نداشته باشد. او را از تمام خوبی‌های روی زمین سرشار کنید، و او را تا فرق سرش در خوشی غوطه‌ور سازید: حباب‌های کوچک در سطح این خوشبختی، مانند سطح آب خواهد ترکید» (کار، ۱۳۷۷).

نگرانی یاد شده همچنان در جامعه هنری (اگرچه با شدتی کمتر از گذشته) دیده می‌شود. به نظر می‌رسد هسته مرکزی این مسئله، در نگرش اهالی این جامعه خلاصه می‌شود. «ارزش» باشد. چراکه بیش و پیش از هر چیز دیگر، «ارزشمندی» فعلیت‌های هنری، در پایبندی هنرمند به «ارزش ذاتی» هنر دانسته شده است. برای اساس، پذیرش این که فعالیت هنری ضمن کنشگری در تولید و عرضه ارزش فرهنگی، تابع ارزش اقتصادی نیز باشد، هنوز هم رویکرد نفی‌گرایانه بخش بزرگی از جامعه هنری را به همراه دارد.

بنابر نظر هانس ابینگ^۳ (۱۳۹۰)، هنر «موجود» و نیز به عنوان «ساحت»^۴، از دیرباز و به خصوص در چهار «سنوز» دارای چهره‌های مختلف و غالباً ناهمگون است. تفاوت‌ها و کیفیت «یانوس‌وار» هنر برای اقتصاددان و هنرمند به یک اندازه پیچیده است. جالب‌ترین جنبه این الگویی دو چهره‌ای «اقتصاد هنر» است. یک طرف دنیایی است باشکوه از ساختمان‌های

۱. Fyodor Dostoyevsky (۱۸۲۱-۱۸۸۱) روسیه: ویژگی منحصربه‌فرد آثار او روانکوی و بررسی زوایای روانی شخصیت‌های داستان است. سوررئالیست‌ها مانیفست خود را بر اساس نوشته‌های داستایوفسکی ارائه کرده‌اند.

2. Notes From Underground

۳. Hans Abbing (۱۹۴۶): عکاس، نقاش و استاد هنر دانشکده فرهنگ و هنر دانشگاه اراسموس روتردام و نویسنده کتاب «چرا هنرمندان فقیرند؟ درآمدی به اقتصاد استثنای هنر». ابینگ در سال ۱۹۹۵ جایزه werk-beurs را از بنیاد هنرهای زیبای هلند برای آثار نقاشی‌اش و همچنین جایزه basisstipendium بنیاد هنرهای تجسمی به خاطر آثار عکاسی‌اش دریافت کرده است.

۴. Janus اسطوره‌ای روی با دوچهره در جلو و پی سر (نماد آغاز و پایان)

مجلل اپرا، افتتاحیه‌های شیک، هنرمندانی با درآمدهای کلان و اهداکنندگان ثروت‌مندی که اعتبارشان با مشارکت در امور هنری بالاتر می‌رود. طرف دیگر اکثریتی است از هنرمندانی با درآمدهای اندک و یا بدون هیچ درآمدی.

وجود چنین «اقلیت دارا» و «اکثریت ندار» ی گویا ریشه در این نگاه [تاریخی] دارد که هنرمند اگر «واقعاً» هنرمند باشد تنها هنر و ارزش فرهنگی آن را مدنظر دارد تا بتواند هنری والا خلق و ارائه کند! چنین نگرشی در دوران متمدنی بسیاری از هنرمندان (بخش بزرگ بدنه جامعه هنری) را به دوری‌جستن از توجه به ارزش اقتصادی واداشته که نتیجه آن همان اکثریت ندار [موردنظر اینجاست] است.

اما از سوی دیگر به تدریج در دنیای امروز زمینه درک و تغییر رویکرد جامعه هنری (هم هنرمندان و هم منتقدین و نظریه‌پردازان) نسبت به تقابل ارزشی فرهنگ و اقتصاد (به دلایل تاریخی و فرهنگی که در این جستار بدان پرداخته می‌شود) هموارتر از هر زمان دیگری است. از این رو به عقیده نگارندگان، شناخت نسبت به ارزش اقتصادی توانان با ارزش فرهنگی در تبیین «اثر/محصول هنری» می‌تواند ضمن کاستن از نگرانی تاریخی هنرمندان (که پیش‌تر به آن اشاره شد)، موجبات تغییر در نسبت میان اقلیت دارا و اکثریت ندار، به لحاظ درآمد مالی و دارایی اقتصادی) را فراهم آورد.